



زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا

عرض ادب

سید ملک محمد برومند

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه : مرعشی ، سید ملک محمد
 عنوان و نام پدید آورنده : زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا / عرض ادب سید ملک محمد مرعشی
 مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۶۹۶ص
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۹۱-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه بصورت زیر نویس
 موضوع : زیارتنامه عاشورا -- نقد و تفسیر
 رده بندی کنگره : BP ۲۷۱/۶۰۴۲۲ / م۴ ۱۳۹۲ :
 رده بندی ملی : ۲۹۷ / ۷۷۷ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۸۱۷۵



راه نیکان

بخش معرفت ادبیات

زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا

عرض ادب سید ملک محمد مرعشی

چاپ اول: ۱۳۹۲ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-964-2998-91-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۹۱-۳

شماره ثبت مجوز: ۱۲۲۲۵۰۵ قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

Info@rahenikan.com
 www.rahenikan.com

کرد^۱ البته نیاز به یاد آوری ندارد چنین عنصری دین و ایمانی نمی تواند امیر مؤمنان باشد. مهم تر اینکه مردم اگر ندیده بودند، از صادقان امت شنیده بودند ارتکاب به محرمات در امویان خاصه معاویه قبحی ندارد. چنانکه امثال حسن بصری^۲ منحرف از امامت برای مشروعیت دادن به اعمال و رفتار، کردار و گفتار آنها فرقه مرجئه و... را به وجود آوردند تا برای ارتکاب به محرمات معاویه و دودمان او مشروعیت سازی کنند.

به هر روی همین که امویان یقین کردند به فرقه سازی هم نمی توانند ننگ انحراف از شرع نسبت را از خود پاک کنند، امام توحشی زیدیه و اسماعیلیه را در جهت تضعیف امامت موسوم علی^{علیه السلام} مورد تائید همه جانبه قرار دادند، که شیعه آشنا با سبک دشمنی دشمنان، مانع هم نشدند از این سیاست. امامت ساختگی زیدیان و اسماعیلیان شد. از طرفی عباسیان وارث امویان و مروجان کفر دشمنی خاندان خاصه امامان اهل بیت زمان خود دست کمی از جنایتکاران اموی و مروانی داشتند با ولی توحشی و جعل کرامات برای آنها که براساس سیاست اموی در تائید سبک «قطب» یا «ولی» خوانده می شدند میدان مقابله با امامت ادامه دهنده رسالت. مهم تفکر غالی^۳ می مرسوم در مسیحیت بدلی را در ارتباط با تضعیف امامت به کار گرفتند تا به دست امامان شیعه چون به خلوت می روند برای مریدان و معتقدان خود ادعای هدایتی می کنند که این شیطنت هم کارگر نیفتاد، زیرا امامان معاصر این شگرد فتنه خیز عباسی شدند. چنین افراد ایدای خلفاء عباسی برخورد کرده حکم به کفر آنها دادند.

و لذا اقدام به بدلی سازی عناوین انحصاری معصومین که تائید کننده مقامات آسمانی ذوات مقدسه بود کردند که تأثیر آن تا امروز در تمامی امور و احوال و احوال مورد استفاده دشمنان شیعه قرار گرفته است. حتی به استناد گزارشات تاریخ هم در راه برای مشروعیت دادن به حکومت جائرانه امویان و عباسیان از امثال حسن بصری و سفیان

۱- کشف الهاویه در اعمال و زندگانی معاویه؛ ذبیح الله محلاتی: ۱۴۳

۲- برای پی بردن به انحراف نامبرده به کتاب های «حسن بصری چهره جنجالی تصوف» به قلم آقای مهدی عمادی و «حسن بصری پیر پیران اهل نفاق» به قلم آقای محمدباقر نحوی و «حسن بصری از افسانه تا واقعیت» به قلم دکتر آرمین شیروانی رجوع شود.



ثوری و ابوهاشم کوفی اولین صوفی و... استفاده می کردند، حکومت های مقابله کننده با تشیع نیز از اقطاب صوفیه که در رأس فرقه های صوفیانه قرار داشته و دارند و امامان بدلی زیدی و اسماعیلی استفاده کرده اند. و در آستانه امامت دوازدهمین امام از خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام علاوه بر این که جعفر کذاب به تحریک حکومت وقت عباسی مدعی شد جانشین امام حسن عسکری علیه السلام است و مورد تائید و تقویت حکومتیان قرار گرفت، سیاست عباسی نواب اربعه غیبت صغری را برای برخورد با مومنان مربوط به مهدویت الگو قرار داده در پی تمامی آنچه نسبت به امامت عمل کرده بود نایب سازی را دنبال نمودند. برخلاف اینکه گمان می رفت با انقراض عباسیان ادامه داده شده شیعیان ضعیف که از عصر عثمانیان شکل گرفته و توسط امویان و مروانیان به سطح خود رسیده بود به اتمام رسد، مجموعه آنچه در مخالفت با شیعه به کار گرفته بودند با نایب سازی بهترین وسیله برخورد و مقابله با تشیع آتھائی بودند که به ابداعات عثمانیان مروانیان و عباسیان مذهب سازی نموده به بهانه اثبات خود بنای شیعه ستیزی گذاشته و ادامه می دادند.

این دشمنی همراه حوادث تاریخی تا سال ۱۱۵۳ هجری قمری که استعمار مذهب ساز مصمم شد، در کنار تمام تلاش های ضد شیعی اقدامی جهت بی هویتی تشیع در آئین مقدس اسلام بنماید تا بتواند در پی نایب سازی صورت گرفته بی اصالتی تشیع در اسلام را ثابت کند، به همین منظور وزارت مستعاری آن ایالت مستر هفتر جاسوس دوره دیده خود را مأموریت داد شخصی را با هویت و باطنی جهت ضدیت با شیعه یافته به تربیت و تقویت او پردازد، محمد بن عبدالوهاب بنی رازحان، تربیت شد تا مسلکی را که به اسلام شیعه سازی شده بود در مرکز وحی به وجود آورد که تشیع و شیعه در آن جایگاهی نداشته باشد و این همان وهابیت، اسلام انگیزی است که در کنار اسلام آمریکائی در مسیر مبارزه با اسلام ناب محمدی مردم به شکلی در می آید.

تا این که قاجاریه از راه رسیدند و زمام امور سیاسی کشور ایران را به دست گرفتند. با به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه قاجار استعمار زمینه را برای شیعه ستیزی و تحریف و

تخریب تشیع بیش از پیش آماده دید، درست همان زمان که شیخ احمد احسائی را با ابداع بدعت رکن رابع به دربار دوره فتحعلیشاهی فرستادند تا بتواند دور از هر تعارضی نقش خود را براساس برنامه‌ای که به او می‌دهند ایفا کند. کاظم رشتی را برسر راه او قرار دادند که بعدها به استخدام امپراتوری عثمانی درآمد. احسائی بعد از انتخاب شدن، بسیار ماهرانه با تجدید افکار ضد توحیدی غالی‌گری تحت عنوان شیعه خالص الولایه که از داعیه آنان فقه ذهبیه اغتشاشیه فرا گرفته بود وارد یزد ایران شد و به القاء مقصود پرداخت. با تارشات دو امپراتوری عثمانی و انگلیس که هر کدام ایادنی در دربار ایران داشتند توانست استدعای تقاضای دیدار فتحعلیشاه از خود را سخن روز محافل علمی - سیاسی ایران سازد. مریدان فتحعلیشاه، تحف و هدایای او درباریان را برآن داشت به تبعیت از شاه، احسائی را به یزد سازند و هر کدام براساس مأموریتی که داشتند با نذر و نیاز و پرداخت حقوق شرعی او در یزد اقامت می‌کردند؛ البته شیخ احسائی در کنار رواج تفکر غالی‌گری در ارتباط با تعریف تبعیت امامان برای جواب مسائل شرعی نیز روش اخباریان را انتخاب کرد تا پیروان خود را از وقوع مرجعیت نواب ایام غیبت بی‌نیاز سازد؛ زیرا یقین داشت تنها عالمانی که بدین امر ارامی شناسند و انحرافش را به بیان و قلم می‌آورند.

به هر روی احسائی با ابداع رکن رابع که تا آن تاریخ در تشیع سابقه نداشت و شیعیان کاملاً با آن بیگانه بودند در مقابل مرجعیت فقهاء نواب هم دوران غیبت ایستاد تا هرگونه اعتراض به غالی‌گری و اخباری‌گری را خنثی کند. در صورتی که رکن رابع فتنه‌ای است همانند با غالی‌گری و اخباری‌گری. در این گذرگاه تاریخ بوده که کفایت شیخیه به عنوان تکمیل‌کننده رکن توحید، رکن نبوت و رکن امامت در مدار خطای صوفیه و امامت ساختگی اسماعیلیه متفقاً می‌کوشیدند مسأله نیابت نواب عام حضرت امام قائم غائب موجود موعود را که یگانه نهاد مشروع شیعه است کم‌رنگ کنند، در واقع زمینه را برای استیلای انگلیس بر کشور اسلامی ایران هموار سازند.

روسی تزار که رقیب انگلیس تعریف می‌شد با الگو قرار دادن دو امپراتوری عثمانی و انگلیس، جاسوس کهنه کار خود گیناز دالگوورکی را به حوزه کربلا اعزام دشت تا با



تأسیس مسلکی جدید در غارت و چپاول ذخائر زیرزمینی ایران شیعه سهیم باشد. کینیاژ دالگورکی جاسوس تزار که با اسم مستعار آیه الله شیخ عیسی لنکرانی وارد کربلا شده بود به تبعیت از رقبای انگلیسی خود تلمذ در حوزه درس کاظم رشتی روسی الاصل را که جاسوس امپراتوری عثمانی بود نزدیک ترین راه در جهت رسیدن به مقصود تشخیص داد که به مرور زمان ثابت شد در تشخیص و تصمیم خود دچار اشتباه نشده است؛ زیرا با گذشت اندک زمانی علی محمد شیوازی را بهترین وسیله و ابزار تأمین خواست امپراتور تزار دانسته بنا را بر تجدید فتنه امام تراشی در تشیع گذاشت تا اگر بشوق و تشویق غیب مستر همفر جاسوس انگلیس محمد بن عبدالوهاب با دستکاری اسلام به روش سلیمان بن تیمیه تشیع را غریبه با اسلام معرفی می کند، او نیز با باب سازی که به امام تراشی محتوم مهدویت را هدف تهاجم قرار دهد.

لازم به تذکر است اگر خواهیم در نتیجه گیری فتنه رکنی گوی احسانی به انحراف مبتلا نشده، همان را بگیریم که نتیجه واقعی اقدامات استعمار پسندانه احسانی است، باید شاگرد دانش را که هدف فقط دالام شدن احسانی به اتفاق کاظم رشتی در مقام جانشینی احسانی قرار داده از او تهی کردند به دو گروه تقسیم کنیم:

دسته ای که مانند علی محمد شیرازی هر کجا در گوشه ای از جهان اسلام ادعای امام زمانی سر دادند و عده ای را به خدمت استعمال کردند و دیگری که به تقویت علی محمد شیرازی پرداختند، او را تا ادعای مهدویت نرسانیدند. عملکرد این گروه همان منظور و مقصودی را تعریف می کند که کینیاژ دالگورکی به جهت آن عازم کربلا شد. با گذشت زمان ادعای باییت علی محمد منجر به شکل گیری بی بی گوی گردید که به سرکردگی یحیی نوری معروف به صبح ازل ادامه یافت و به طاعت نکردن حسینعلی نوری از برادرش صبح ازل دار و دسته ی بهائی گوی به سرمداری همو که خود را بهاء الله می خواند شکل گرفت.

در همین دوران که بازار مسلک سازی رونق داشت استعمار برای صوفیان وابسته به خود نیز رقیب تراشی کرد، شاید هم جهت اسلام زدائی از فرقه های به ظاهر اسلامی صوفیه تفکر ملحدانه ی مهربابا، سای بابا و او شو را که نه فقط پایبند به دین و آئینی

آسمانی نبودند، بلکه به انواع خرافات و انحرافات اعتقادی - اخلاقی - سیاسی آلودگی داشتند برای به انحراف کشاندن عرفان اسلامی به ایران صادر کرد و به طور ناگهانی بدون هیچ مقدمه‌ای عده‌ای نتراشیده و نخراشیده به رواج دادن نام مهربابا و سای بابا و او شو که مانند علی محمد باب و حسینعلی بهاء تا ادعای خدائی پیش رفته بودند پرداختند، این گروه مانند بایبان و بهانیان حد و مرز دین را شرط عضویت در مسلک خود نمی‌دانستند. تا این که خدایان زایشگاه استعماری هند هم مُردند، عده‌ای که فریب خورده بودند منشاء یاری یگران شدند.

دشمن استعمار با اسلام ناب که تشیع است به این نوع برنامه‌های حساب شده خلاصه نشد، بلکه باید به داشته نتیجه آنچه را استعمار به همکاری و هم‌یاری قاجار دست‌نشانده خود انجام داد به انحراف کشاندن قیام مشروطه چنان نقشی داشت که به شهادت شیخ فضل الله و بهائیان مسموم کردن آیه الله سیدحسن مدرس انجامید تا شاید قیام‌های ضد استبداد دینی و ملی را که شیعه رهبری می‌کرد و شعارش در جمله معروف «سیاست ماعین دینان» خلاصه شده بود در حلقوم مجاهدان پیرو خط مرجعیت آزاده شیعه خفه کنند، در واقع خف‌ناک‌ترین مانع سلطه و چپاول استعمار را از سر راه آنان بردارند که بعدها انقلاب شکوهمند ایران به رهبری حضرت امام خمینی و بیداری ملت‌های اسلامی در پی قیام ایرانیان سلحشور شیعه به پی‌گیری مداوم و راهنمایی‌های کارساز حضرت امام خامنه‌ای آنچه را که استعمار در آرزویش بود عقیم کرد.

آیا برخورد با تشیع به این شیطنت‌های استکبار جهانی ختم شد؟ مرور بر تاریخ ثابت می‌کند سردمداران سیاست شوم سلطه و چپاول استعمار را متوجه هر پیشگی جان برکفان مسلمان کرده بود و لذا پیشنهاد سیاستمدار کهنه کاری را که به نتیجه رسیده بود قرآن را از مسلمانان بگیرد بر آنان حکومت کنید، ملاک عمل قرار داده، تصمیم گرفتند فرهنگ غنی تشیع که عیناً حکم «حدیث ثقلین» یعنی «عترت را در کنار قرآن دارد» با تحریف، تحذیف و اعمال غرض دستکاری کنند، درواقع همان کاری را که محمدبن عبدالوهاب با اسلام ناب کرد و علی محمد شیرازی با مهدویت انجام داد اینان



السلام علیک یا ابا عبد الله و علی الأکابر الخلیفین



برای تضعیف و خدشه در اصالت تشیع، اسلام اهل بیت علیهم السلام به کار گیرند تا با آسیب پذیری و مواجه شدن با موانع کمتری به منظور رسند.

برای عملی کردن این تاکتیک نه فقط راه‌های زیادی طرح ریختند بلکه افراد مخصوص به آن را نیز شناسائی کرده تقویت نمودند. که اگر بخواهیم فهرست وار بدون مراعات تقدم و تأخیر زمانی به آنها اشاره کنیم باید نخست نامی از شریعت سنتی را بیاوریم که مأموریت یافت بانوشتن «کلید فهم قرآن» نقش امامان اهل بیت علیهم السلام را در فهم قرآن از میان بردارد. سبک شناسان سیاست برخورد انگلیس با اسلام و مسلمانی این اسلام حساب شده استعمار را برخوردی وهابی گونه با تشیع دانستند، توجه دادند تشیع بدون قرآن و سبک اهل بیت علیهم السلام هانند اسلام بدون تشیع است که محمد بن عبدالوهاب طرح آن را بر مرکب قرآنی از جوار حرمین شریفین آغاز کرد.

در کنار آنچه از الگرایی تقویت طرح غلوپژوهی را که در طول تاریخ اسلام وسیله‌ای برای شیعه‌ستیزی به سیاست به سبک دلخواه خود مطرح کردند، به عده‌ای مأموریت دادند هر آنچه تمام وجهه تعریف می‌کند و جذابیت آن به اثبات حقانیت تشیع می‌انجامد به بهانه غلو، مرده و زنده را مورد انتقاد قرار دهند.

درواقع به بهانه‌ی همیشگی، به سبک عباسی پشوانه‌های مستند شیعه را از جمله ابداعات غالیان معرفی کردند و چون محققان به بیان این اقدام حساب شده دشمن آمدند^۱ ابوالفضل برقی^۲ را با همراهانی مانند مصطفی طاطبائی نامی که دشمنی او با تشیع و علاقه‌اش به وهابیت و شیخیه ثابت شده است به وسیله طرح مبارزه با تشیع با ابزار غلوپژوهی تقویت کرده به عناوین گوناگون مطرح نمود. و با ترویج افکارشان را در هر کجا که شیعه‌ای حضور داشت مهیا کردند. این گروه امروزه از ایشان به لحاظ اینکه در خط وهابیت‌گری است مورد تأیید و استاد وهابیان و سلفیان^۳ بر می‌گیرد و در

۱- برای شناسائی این گروه و سبک عملکردشان به کتاب «غلوپژوهی یا شیعه‌ستیزی» تألیف آقای دکتر فرج‌الله عقیفی مراجعه نمائید.

۲- کتاب بررسی افکار و آراء برقی به قلم آقای محمدباقر نحوی به جزئیات این حرکت اشاره کرده است.



جزوه‌هائی که در مراسم حج با دلارهای نفتی عربستان سعودی به طور رایگان برای اغفال و فریب جوانان و بدنام کردن شیعه پخش می‌شود با عناوین مرسوم در تشیع «آیه الله العظمی» معرفی می‌کنند تا شاید بتوانند برای تازه آیندگان ثابت کنند عالمان شیعه را از میدان برخورد با خود خارج کرده‌اند و آنان را در ادامه‌ی خیانت خود در خط و تا مقاصد شوم خویش همراه و همصدا سازند.

آری، امروز انقلاب به پیروزی نرسیده بود، فتنه‌گری ابوالفضل بروجی آتش افروزی می‌کرد، باز شیعی و شیعه را هدف اظهارات ناپخته فارغ التحصیل سوربن فرانسه^۱ که تحت تأثیر منحرفان و طغیان‌های مانیسم^۲ بود^۳ و به گفته استاد شهید مطهری اندیشه‌هایش چنانچه فکارت گورویش یهودی ماتریالیست و ژان پل سارتر و اگرستانسیالیست صدها ساله و دورکهایم جامعه‌شناس ضد مذهب و ماسینیون مستشار وزارت مستعمرات فرانسه در شمال آفریقا و سرپرست مبلغان مسیحی در مصر بود، به تحریف روایات اسلامی و وارونه کردن آنچه به علی امیرالمؤمنین (علیه السلام) مربوط می‌شد پرداخت. شهید مطهری در نامه‌ای که به امام خمینی می‌نویسد متذکر می‌شود: «به خدا قسم اگر روزی مصلحت‌اندیشی که اندیشه‌های این شخص حلاجی شود و ریشه‌هایش به دست آید و با اندیشه‌های اسلامی تقایس شود صدها مطلب به دست می‌آید که برضد اسلام است»^۴.

این شخص، شیعه را با آثار کسانی تعریف می‌کرد که با شیعی و شیعه میانه‌ای نداشتند همان‌هایی که قرار داده بود، حضرت ابوطالب (علیه السلام) را برخلاف حقیقت به مشرک معرفی می‌کرد. مدعی شد «...مورخین اسلام می‌گویند تا دامن عبدالمطلب و ابوطالب را از شرک پاک سازند»^۵ نامبرده به این نوع اظهارات ضدشیعی اکتفا نکرد و ادعا کرد

۱- برای شناخت او به کتاب «شریعتی به روایت اسناد ساواک» سه جلدی و بررسی و نقد اندیشه شریعتی به قلم خیرالله مردانی رجوع شود.

۲- برای شناخت نامبرده به کتاب «نبرد با بی‌دینی» تصحیح و مقدمه جناب سیدملک محمد مرعشی رجوع نمایند.

۳- دانشنامه آزاد - ویکی پدیا

۴- سیری در زندگی استاد مطهری: ۲۲۲ - همان مأخذ: ۲۲۳

۵- اسلام‌شناسی چاپ طوس / علی شریعتی: ۴۶۲



اللهم أنت الأول فاقض شأني من الأول
وأنت الآخر فاقض شأني من الآخر
وأنت الظاهر فاقض شأني من الظاهر
وأنت الباطن فاقض شأني من الباطن

میراث

پیغمبر در مورد بستن ابواب خانه‌ها به مسجد فرموده‌اند: «این درها که به مسجد باز می‌شوند بنگرید جز در خانه‌ی ابوبکر همه را ببندید.»^۱ در حالی که این از جمله مقامات خاصه علی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

جای دیگر شیعه را که به تبعیت از سفارشات پیامبر اکرم در حق اهل بیت علیهم السلام و «حدیث ثقلین» پیروی از خاندان را شرط ایمان می‌داند نسب‌پرست معرفی کرده، می‌نویسد: «...چنانکه خود شاهد بوده و هستیم در تاریخ اسلام، اعتقاد مسلمین که تحت تأثیر سب‌پرستی برای منسویین به پیغمبر فضیلتی خاص قائل بودند موجب پیدایش یک بقعه نژادی خاص، پرنفوذ و مشخص گردید... و امروز نیز در میان اجتماعات مذهبی این فضیلت کاملاً محسوس است.»^۲ که منظور مسأله «سیادت» می‌باشد.

در ادامه می‌بینیم بحث چون روحانیت «منادی اسلام»^۳ را همیشه در صحنه‌ی دفاع از تشیع و تعریف تند همواره آنچه مربوط به شیعه می‌شود می‌شناخت و می‌دانست در مقابل این اراجیف خراب می‌ایستادند^۴ به باد حمله گرفته می‌نویسد: «بدین طریق مذهب که در آغاز، خود، یک مذهب انقلابی و یک اندیشه و طرح بدیعی است - در چهارچوب خشک و جامد سازمان‌یافته ولایت روح محافظه کارانه به خود می‌گیرد و منجمد و متحجر می‌گردد و پاسدار احتناق و عدم تحرک و گذشته می‌شود و از آینده هراسناک»^۵ یادم آمد که مقام معظم رهبری می‌فرمود بودند: «قدرهای عالم با هیچ چیز به قدر اسلام دشمن نیستند و روحانیت منادی اسلام است.»^۶ پس شعار اسلام منهای روحانیت وظیفه آنهائی بوده و هست و خواهد بود که قدرهای عالم سر و سری دارند. همین مزینانی زاده در تضعیف رهبری بعد از ختمی ولایت که در غدیر خم با آن تأکیدات خاص‌الخاص معین و مشخص شده بود، بسیار ماهران و محلات طرح می‌کند:

۱- اسلام‌شناسی چاپ طوس / علی شریعتی: ۴۳۶

۲- همان مأخذ: ۳۰

۳- حدیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای مدظله: ۲۱۶/۷

۴- فتوای آقایان مراجع آن دوره در کتاب «فاضلیه» آورده شده

۵- اسلام‌شناسی چاپ طوس / علی شریعتی: ۳۱

۶- حدیث ولایت: ۲۱۶/۷

«آیا رهبری آینده این امت را محمد بهتر تشخیص می‌تواند داد یا توده قبائل و حتی سعد بن عباد و ابو عبیده جراح و...» در ادامه جواب این سؤال را داده، می‌نویسد: «چگونگی برگزاری انتخابات سه خلیفه نشان داد دموکراسی غربی - که امروز ملت‌های نوحاسته ایمان خویش را در سال‌های اخیر نسبت بدان کمابیش از دست داده‌اند در جامعه آن روز عرب تا چه حد قادر بوده است که مردم را از دخالت شخص پیغمبر در تعیین حکومت سیاسی آنان بی‌نیاز سازد.»^۱ و این تأیید شورای سقیفه و رد غدیر در واقع خلافت علی صی ولی است. که بسیار مرموزانه به نام اسلام‌شناسی مطرح شد.

یا این که می‌نویسد: پیامبر اکرم فرمود «سخن مرا ای مردم فهم کنید من ابلاغ کردم و در میان شما بچرا که اگر بدان چنگ زنید هرگز گمراه نشوید باقی گذاشتم و آن امری روشن است: کتاب من و من پیامبرش»^۲ در صورتی که به اثبات رسیده است حدیث ثقلین با دو رکن «کتاب من و پیامبر من» از ناحیه رسول خدا شرف صدور یافته است.^۳ عجیب در این بود که علی را کوشیدند و انمود کنند ایشان مورد تأیید شخصیت‌هایی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی بوده است. که در مورد شهید مطهری محقق تاریخ‌شناس آقای رسول جعفریان با کتاب «نزاع سنت و تجدد» و مؤلف «سیری در زندگی استاد مطهری» در مورد عتده استاد شهید مطهری و شهید بهشتی و علامه مصباح یزدی با آنچه درباره این اسلام‌شناسان از شهید بزرگوار شنیده بود اظهار نموده‌اند^۴ بر ملا شد که آقایان با افکار و عقائد او می‌توانستند سازگارند.

آری شهید مطهری علاوه بر نامه تاریخی که درباره این اسلام‌شناس به امام خمینی علیه السلام مرقوم نموده و الحق کوبنده و خواندنی است^۵ و در ابتدای سخن کوتاهی

۱- اسلام‌شناسی / چاپ طوس / علی شریعتی: ۴۲۵

۲- همان مأخذ: ۴۲۳

۳- آقای دکتر فرج‌الله عقیقی به مناسبتی پیرامون این حدیث مبارک در کتاب «غلوپژوهی یا شیعه‌ستیزی» مطالبی به استاد نظر شخصیت‌هایی چون آیه‌الله سبحانی که ثابت کرده‌اند «کتاب‌الله و سنتی» جعل است، دارند.

۴- گفتنمان مصباح؛ رضا صنعتی از انتشارات اسناد انقلاب اسلامی از صفحه ۲۰۲ به بعد

۵- سیری در زندگانی استاد مطهری: ۲۲۲



السلام علیک یا ابا عبد الله وعلی آلک ائمه الطیِّین



عاشورا

که برجزوه اسلام‌شناسی نوشته‌اند یاد آور می‌شوند: «این جزوه مانند غالب نوشته‌های نویسنده از نظر ادبی و هنری، اعلی و از نظر علمی، متوسط است و از نظر فلسفی، کمتر از متوسط و از نظر دینی و اسلامی صفر است.»^۱

شهید بهشتی در نقدی بر آثار دکتر شریعتی می‌فرماید: «من مکرر گفته‌ام دکتر شریعتی پیش از آنکه اندیشمند باشد، شاعر است، روی قریحه حرف می‌زند، روی سلیقه حرف می‌زند و این بزرگ‌ترین انحراف و خطای اوست...»^۲

به روی علامه مصباح یزدی علاوه بر نظریاتی که نسبت به نامبرده دارد^۳ بعد از نقل این‌که آن اسلام‌شناس ادعا می‌کند جبرئیل براو نازل شده است، نتیجه‌گیری می‌نماید: «علامه مقوله‌ای را می‌فراهم می‌کند که بعد سلیمان رشدی انجام داد... این مسئله از دو حال خارج نیست یا ایشان [علی شریعتی] اصلاً به وحی و جبرئیل و... اعتقاد نداشت و همه اینها را به صورت خیالات می‌داند همچنان که برای خودش به صورت رمان ادعا کرد.»^۴

این روند برخورد با معارف به تشام که بعد از غدیر خم به طور جدی دنبال شد و در سقیفه بنی ساعده به نتیجه نرسید، ادامه داشت تا اینکه ایادی استعمار یا روشنفکر مآبان غرب زده مسلمان‌نما به آن شدند و سیاستی مزورانه آنچه شیعه را به دفاع از تشیع تشویق و ترغیب می‌کند شناسایی کردند و تیشه را بر ریشه این تعصب مقدس بزنند شاید بتوانند خود را از مزاحمت‌های تشیع نجات دهند.

استاد شهید مطهری می‌نویسد در آن زمان کتاب «شیعه باید» منتشر شد^۵ که طرح دیگری علیه معتقدات شیعه بود. مولف شهید جاوید امامت و انگیزه قیام امام حسین (علیه السلام) را وسیله برخورد با اصالت‌هائی قرار داد که امامت را تزلزل می‌کرد و آن را یگانه نهاد آسمانی ادامه دهنده خاتمیت معرفی می‌نمود. برای نمونه پس قیام امام

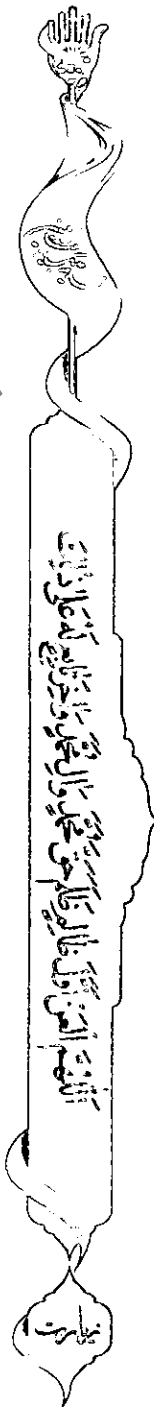
۱- استاد مطهری و روشنفکران: ۳۴

۲- شریعتی جستجوگری در مسیر شدن، دکتر بهشتی: ۹۳-۹۴

۳- گفتمان مصباح: ۲۰۱ به بعد

۴- گفتمان مصباح (گزارشی از زندگانی و مواضع علمی سیاسی آیه‌الله مصباح یزدی): رضا

صنعتی: ۲۳۹
۵- سیری در زندگانی استاد مطهری: ۱۵۳



حسین علیه السلام را جهت به حکومت رسیدن تعریف می‌کرد در صورتی که ولی امر مسلمین آیه‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله که شخصیتی محقق، تاریخ‌شناس با قدرت تحلیل و جداسازی حق از باطل می‌باشند تحت عنوان «قیام برای انجام واجب الهی» به وصیت امام به محمد حنفیه برادرشان اشاره دارند می‌فرمایند: امام در این وصیت فرموده‌اند: «و انی لم اخرج شراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً» یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتچی‌ها تبلیغ کنند که امام حسین هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه، خروج می‌کنند برای این که قدرت را به چنگ بگیرند - برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد - و لا - میدان مبارزه و جنگ می‌شود! کار ما از این قبیل نیست»^۱ سپس این کلام امام را آورده‌اند. من اکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه قدرت بودن بگویم: «انما خرجته لطلب الاصلاح فی امة جدی» من می‌بینم که اوضاع در میان امت پیامدگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است، حرکت، حرکت به سمت انحطاط است. وضعیتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای این که با اینها مبارزه کنم^۲ و اذاشهد مطهری کتاب «حماسه حسینی» را در نقد آن تألیف کردند. از جهات این حرکت شوم حساب شده شهادت آیه‌الله شمس آبادی و شیخ قنبرعلی بود که خورشیدخانه بعد از انقلاب و با کنار گذاشتن حسینعلی منتظری از مناصب حکومتی بیش از این جا به بر ملا شد. در ادامه این برنامه‌های حساب شده که شخصیت‌هایی همچون شهید مطهری به مقابله با آن پرداختند. طراحان اسلام دلاری امروز و اسلام آمریکائی آن در مسیر خلاصی خود از مجاهدان ضد سلطه استکبار جهانی متوجه کلام به حق و کارها هرچه داریم از محرم است» شدند. این توجهات در طول تاریخ بوده است. شیخ منتظری ثنوری پرداز جنگ بین تمدن‌ها می‌گوید: «نقطه‌کانونی جوشش فرهنگ اثرگذر بر حیات بشر عاشورا است» در همایش چند سال قبل یهود نیز گفته می‌شود: شیعه دو نقطه اصلی اتکاء دارد: عاشورا و انتظار، ما باید این دو تا را در فرهنگ تشیع و جامعه جهانی تغییر

۱- خورشید شهادت: ۴۱ به نقل از خطبه‌های نماز جمعه عاشورای ۱۴۱۶ در ۷۴/۳/۱۹

۲- همان مأخذ



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ اٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ

عاشورا



بدهیم.^۱ جای دارد گزارش خبری را که هنگام تحریر این سطور در ذیل پیاده رفتن آیه الله سید محمد سعید حکیم از نجف تا کربلا برخورد کردم به عنوان یکی از آثار «ما هرچه داریم از محرم است» بیاورم. خبرنگار کیهان گزارش کرده بود آنتوان بارا نویسنده، روزنامه نگار دانشمند مسیحی گفته: «اگر امام حسین علیه السلام از ما بود، در تمام زمین برای او منبر و پرچم می افراشتیم و مردم را با نام حسین علیه السلام به مسیحیت فرا می خواندیم.^۲ آن وقت منحرفان فراری ما با طرح آنچه درباره عاشورا می گویند نمی توانند این موقعیت را خنثی کنند.

به هر روی بعد از دشمنی هایی که نسبت به شیعه روا داشتند درست زمانی که شیخ یوسف قزوینی^۳ و رهبر سلفی های سوریه^۴ در مقام رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان^۵ «در چهارمین سیار تند و اهانت آمیز، شیعیان را بدتر از یهودیان و مسیحیان خواند و فتوای سر آزار داد»^۶ می کند. تصمیم به عاشورا ستیزی در قالب موضوعاتی مانند این که زیارت عاشورا مستحب نیست گرفتند. و دلیل آوردند چون زیارت عاشورا لعن^۷ بر فاسقان و فاجرانی چون اشریاء و آل مروان و آل سفیان توأم است بی اعتبار می باشد که البته این حرکت حساب شده زیارت عاشورا خلاصه نمی شد بلکه منظور از اینگونه سخن های بی ربط تخریب و بر آورد با ترویج بود زیرا عبدالکریم سروش^۸، همو که چنین اظهاری را درباره زیارت عاشورا نمود، تحت طریبات مارکسیسم به تدریج او را به نقد ایدئولوژی اسلامی کشاند و بعد از مطرح کردن نظریه «مدیریت علمی در مقابل مدیریت فقهی» آشکارا کوشید تا نشانه های اصلی گفتمان اسلام را متزلزل کرده و طرح نوینی براندیشه های دینی، ولی بارویکردی سکولار در انداز و با ورود به پلورالیسم دینی - تکثرگرایی - دینداری را به سه نوع تقسیم بندی می کند «دینداری بی هیئت اندیش،

۱- شعور و شهود عاشورائیان: ۹۱

۲- روزنامه کیهان: سه شنبه ۱۲ دی ۱۳۹۱، ص ۱۰

۳- روزنامه کیهان ۱۳۹۲/۲/۱۲ صفحه آخر ۴- همان مأخذ: ۱۳۹۲/۲/۲۱

۵- همان مأخذ: ۱۶/ خرداد ۱۳۹۲ ۶- صفحه ۳۲ دیده شود.

۷- مرور آرا و مواضع اصحاب فتنه، انتشارات شناسه، چاپ اول، ۱۳۹۱: سری شماره ۱، عبدالکریم سروش.